

# کارکرد تمثیل در انتقال مفاهیم مبتنی بر حکمت و اندرز در داستان‌های کودکان دهه هشتاد

سمیه رسولی<sup>۱</sup>

دکتر سیداحمد حسینی کازرونی<sup>\*۲</sup>

دکتر سید محمود سیدصادقی<sup>۳</sup>

دکتر سید جعفر حمیدی<sup>۴</sup>

## چکیده

در ادبیات و به‌ویژه در ادبیات کودک و نوجوان، تمثیل، جایگاه ویژه‌ای دارد. بن‌مایه تمثیل، همان حکایت است؛ اما در تمثیل، شخصیت‌های داستان در جایگاه خود ایفای نقش نمی‌کنند؛ بلکه هر شخصیت، یک قشر خاص در جامعه یا فردی معین را نمایندگی می‌کند. در داستان‌های تمثیلی، یک نکته آموزنده و تعلیمی، با به‌کار گرفتن زبان مثال عنوان می‌شود و با این شیوه، مخاطب، احساس نمی‌کند که از جایگاهی بالاتر یا حتی برابر، مورد خطاب مستقیم و پند و اندرز از روبرو قرار گرفته و علاوه بر این، مفاهیم مورد نظر نویسنده، توسط مخاطب، بهتر درک می‌شود. اگرچه ظاهر تمثیل، ساده و گاهی بچگانه به نظر می‌رسد، اما از نظر معنا، بسیار عمیق و قابل تأمل است. این شیوه به‌ویژه در مورد ادبیات کودک و نوجوان بسیار کاربردی و تأثیرگذار است. کودکان با داستان‌های تمثیلی، به‌ویژه، از نوع فابل، ارتباط بهتری برقرار می‌کنند و مفاهیم برای آنان قابل درک و لذت‌بخش می‌شود. در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای، کارکرد تمثیل در تعدادی از داستان‌های کودکان دهه هشتاد، برای انتقال مفاهیم حکمت و اندرز مورد کنکاش قرار گرفته است و هر اثر از نقطه‌نظر نحوه پردازش داستان، تمثیلی بودن یا نبودن و اشتغال بر اندرزها و نکات حکمی، اخلاقی، معنوی یا اجتماعی بررسی شده است. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که استفاده از انواع تمثیل و به‌ویژه گونه فابل، می‌تواند منجر به آفرینش اثری تعلیمی و مبتنی بر اندرز و حکمت باشد و کاربرد تمثیل، موجبات ایجاد فضایی لذت‌بخش و سرگرم‌کننده را در داستان فراهم می‌آورد.

**واژگان کلیدی:** تمثیل، ادبیات کودک و نوجوان، دهه هشتاد، اندرز، حکمت، اخلاق.

---

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

Email: rasoli25@yahoo.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Sakhazerooni@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

Email: sadeghi. mhmood33@yahoo.com

۴. استادگروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

## مقدمه

دستیابی به آینده‌ای روشن، در گرو تربیت کودکان است و خوشبختی یک جامعه، بستگی مستقیم به میزان توجه متولیان آن جامعه، به آموزش فرزندان دارد. یکی از کارآمدترین شیوه‌های ایجاد بستر مناسب برای پرورش فکری و فرهنگی کودکان و نوجوانان، نهادینه کردن عادت به مطالعه است. دستیابی به متون و کتاب‌هایی که بر پایه روحیه و مراحل رشد فکری و جسمی کودکان و نوجوانان نوشته شده، می‌تواند ایشان را به شناخت بهتر از جهان و آگاهی از خود برساند. تبادل نظر و دانش در مورد آثار ادبی مفید و آشنا کردن نسل جدید با آثار ارزشمند پیشینیان، می‌تواند در کودکان و نوجوانان شوق به مطالعه را ایجاد کند و زمینه‌ساز پیشرفت‌های فردی و دستیابی به ارتقاء آگاهی و شعور اجتماعی در آنها شود.

اساسی‌ترین هدف آفرینش آثار ادبی، ویژه کودکان، آشنایی آنها با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در زندگی آینده آنان و ایجاد لذت و هیجان در لحظه حال برای آنان است. در این راستا آفرینندگان آثار ویژه کودکان با چنین نقش کلیدی و جایگاه مهمی که در پرورش نسل امروز و آینده اجتماع دارند، برای دستیابی به این مهم، لازم است با گزینش پیشرفته‌ترین متدهای روان‌شناسی و بهره‌گیری از کارآمدترین تاکتیک‌های تربیتی، ارزش‌های زندگی را با شیوه‌ای دل‌نشین و لذت‌بخش، به کودکان ارائه کنند. به‌گونه‌ای که این ارزش‌ها و آموزش‌ها، صورتی تحمیلی به خود نگیرد و به‌صورت آزادانه، توسط کودک انتخاب شود. بهره‌گیری از داستان و روایت در قالب تمثیل، شنونده را متمایل به شنیدن و هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌های آن می‌کند. از آنجا که ساختار تمثیل، کنایی و داستانی است، خواندن و شنیدن آن در کودکان، گریز و دل‌زدگی ایجاد نمی‌کند و مخاطب ضمن لذت بردن از وقایع تلخ و شیرین داستان، به اندیشه خردمندانه‌ای که پشت آن است، پی برده و از نتایج آموزنده آن برخوردار می‌شود. به‌ویژه کودکان که در دنیایی خیالی و رؤیایی زندگی می‌کنند و تمام امور برای آنها جنبه سرگرمی و بازی دارد. بنابراین می‌توان گفت داستان‌های تمثیلی بهترین راه ورود و برقراری ارتباط با دنیای کودکان است. با این روش، کودک نکته‌ای اخلاقی، آموزشی یا حکمت و تجربه‌ای را در لفافه داستان

تمثیلی فرامی‌گیرد و تلخی نصیحت یا سختی آموزش روح حساس وی را نمی‌آزارد؛ چراکه زبان تمثیل و داستان، چه به شکل نظم و چه به صورت نثر، تلخی و خشکی اندرز و آموزش را ندارد. «در گستره ادبیات فارسی، مسائل تعلیمی و اندرزی، از جایگاه مهمی برخوردار است به طوری که نفوذ و سیطره آن را در همه گونه‌های ادبی، شاهد هستیم. در این بین، برخی آثار کاملاً بر این مبنا نوشته شده‌اند که مجموعه‌ای از اخلاقیات را در قالب داستان به مخاطب انتقال دهند که در این بین، داستان‌های کودکان، قابل توجه‌اند.» (حاجی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۳۹)

داستان‌ها، - چه در قالب نظم و چه در قالب نثر - در آموزش و تربیت تمامی نسل‌های بشر، نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند. این کارکرد، به‌ویژه برای پرورش صحیح و البته توأم با لذت کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است. داستان‌ها می‌توانند زیرساختی جهان‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفتی برای کودکان ایجاد کنند. یکی از برجسته‌ترین شیوه‌های داستان‌پردازی، بهره‌گیری از زبان تمثیل است که به‌ویژه در ادبیات کودکان، شخصیت‌پردازی به کمک حیوانات، از نظر بسامد و چگونگی، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. از دیگر سو از جمله اهداف ارزشمند ادبیات کودک و نوجوان، ارائه پند و اندرزهای حکیمانه و اخلاقی به این گروه سنی خاص است. در این نوشتار تلاش شده است، نقش تمثیل و به‌ویژه گونه فابل با کارکرد حکمی و اندرزگونه مورد بررسی قرار گیرد.

### پیشینه پژوهش

مهدی محمدی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی داستان‌های دینی کودکان و نوجوانان منتشر شده بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۰، از نظر کیفیت، محتوا، ساخت و پرداخت و کیفیت زبان و بیان» با تمرکز بر داستان‌های دینی منتشر شده در سال‌های ۸۰ تا ۸۵، معیارهایی از جمله ارزیابی کلی کیفیت محتوای داستان‌ها، ارزیابی کیفیت محتوای مربوط به چگونگی برداشت و بیان اندیشه دینی، معیارهای ارزیابی مربوط به مفاهیم خاص، کیفیت ارزیابی ساخت و پرداخت، ارزیابی کیفیت زبان و بیان و شیوه نگارش را مورد بررسی قرار داده است.

فاطمه سلطانی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی کارکرد تعلیمی فانتزی در داستان‌های کودکان و نوجوانان»، به بررسی کارکردهای اجتماعی و اخلاقی داستان‌های فانتزی در هجده داستان فانتزی با درون‌مایه‌های اجتماعی، محیط‌زیستی و عشق و دوستی دارند، پرداخته است.

فریبا قربانی مجی (۱۳۹۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «انواع ادبی (تعلیمی) در ادبیات کودکان بعد از انقلاب اسلامی»، به بررسی و تحقیق انواع ادبی در ادبیات تعلیمی کودکان ایران بعد از انقلاب پرداخته و جوهر قالب در زبان ادبی کودکان را مطالعه و بررسی کرده است.

مهدیه حسین پور (۱۳۹۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی آموزه‌های اخلاقی تربیتی در آثار کودک و نوجوان از زهره پریخ»، به این موضوع پرداخته است که آموزه‌های اخلاقی نظیر صداقت، شجاعت، بخشندگی، احترام به والدین و کمک به دیگران، خیرخواهی و نیکی در داستان‌های زهره پریخ به وضوح قابل درک است.

سید حسین میرزازاده (۱۳۹۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تصویر امامان در ادبیات کودک»، به این موضوع پرداخته و نتایج به دست آمده، حاکی از آن است که اشاره به زندگی امامان معصوم در قبل از انقلاب هیچ سائقه‌ای آن طور که مورد نظر اهل ادب میباشد، ندارد و یعد از انقلاب اسلامی معرفی اهل بیت در حوزه ادبیات کودک و نوجوان از لحاظ کمی و کیفی روز به روز در حال گسترش بوده است.

افسانه نوذری (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مطالعه میزان توجه به مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت در ادبیات داستانی کودک و نوجوان در آثار نویسندگان معاصر ایران»، به این نتیجه رسیده است که در تحلیل کتاب‌های داستانی بیشترین میزان فراوانی با ۲۷/۹۶ درصد در اصول تعلیم و تربیتی و سپس در حوزه‌های فلسفی ۲۷/۱۱ درصد، جامعه‌شناختی ۱۹/۴۹ درصد، روان‌شناختی ۱۳/۱۳ درصد و روش‌های آموزشی با ۱۲/۲۸ درصد از کمترین میزان فراوانی برخوردار است.

مینو پیله ور (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مقایسه ده اثر ادبی شاهکار جهانی کودک با ده اثر تألیفی داخلی (گروه سنی ب و ج) در بحث مؤلفه‌های تعلیم و تربیت و

نحوه پرداخت آنها»، پرداخته است، نتایج نشان می‌دهد که ده اثر بررسی شده در بحث «حقیقت ماندی و باورپذیری» به اندازه کافی پخته نیستند و این مسأله می‌تواند مانع بزرگی برای نزدیک‌تر شدن مخاطب کودک به فضای داستان و در نتیجه عدم تأثیرگذاری کافی باشد.

حبیب الله امیدعلی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «راه‌های تعلیم خدانشناسی به کودکان»، به این موضوع اشاره کرده است که از میان مفاهیم قرآنی، خدانشناسی یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مفاهیم است که شاعران نیز از آن بهره برده و در شعر خود انعکاس داده‌اند. آموزش این مفهوم در ادبیات کودک به اقتضای درک و فهم مخاطب آن، ظرافت خاصی می‌طلبد و نیازمند برداشت‌های غیر مستقیم از مفاهیم و گزاره‌های عمیق و مطالعه قرآن و انتقال آن در فضای خیال‌انگیز و کودکانه است و اگر به شیوه بزرگسالان آموخته شود، کودک علاقه‌ای به یادگیری این مفهوم نشان خواهد داد.

وحیده زارع گاوگانی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان «مفاهیم تربیتی اسلام از دیدگاه قرآن در ادبیات کودکان و نوجوانان»، به بررسی مفاهیم قرآن در ادبیات کودک پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که در قرآن ۳۹/۱ درصد مفاهیم به ارتباط فرد با خدا، ۳۷ درصد ارتباط فرد با خویش، ۱۷/۲ درصد ارتباط فرد با خلق، ۶/۷ درصد ارتباط فرد با طبیعت، تعلق یافته است.

محمود صادق زاده (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اشعار تعلیمی کودک و نوجوان در ادبیات معاصر»، به این موضوع پرداخته است که نسیم شمال و ایرج میرزا در دوره مشروطه بیشتر از شاعران دیگر به تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در اشعارشان پرداخته‌اند؛ اما در دوره کنونی بیشتر شاعران کودک به این مسأله توجه کرده‌اند.

در مورد ادبیات کودک و نوجوان و نقش‌های تعلیمی آن، به‌ویژه در چند دهه اخیر پژوهش‌های ارزشمندی انجام شده است؛ اما نگارنده پژوهشی را که به‌طور خاص به نقش تمثیل در ادبیات تعلیمی کودکان پرداخته باشد، نیافته است. با توجه به بسامد بالای کاربرد تمثیل در ادبیات کودکان، بررسی میزان تأثیرگذاری این شیوه در تعلیم و اندرز کودکان لازم به نظر می‌رسد.

## روش تحقیق

این پژوهش به شیوه تحلیلی - توصیفی و مبتنی است بر ارائه شواهدی از کتاب‌های مورد نظر و تحلیل و نقد نگارنده و استناد به کتب و مقالات معتبری که در ارتباط با موضوع مورد بحث به رشته تحریر درآمده است. در همین راستا، ابتدا کتاب داستان کودکان مورد نظر معرفی و خلاصه‌ای از داستان ذکر شده است. سپس پرداخت داستان از جهت کاربرد تمثیل در ارائه پند و اندرز حکیمانه مورد بررسی قرار گرفته است و با استناد به کتب و مقالات علمی و معتبر، نقد نظر نگارنده در راستای موضوع پژوهش در اختیار مخاطب قرار گرفته است.

## مبانی تحقیق

### ادبیات کودک و نوجوان

ادبیات کودک و نوجوان، گونه‌ای از ادبیات است که جداسازی آن از بخش‌های دیگر ادبیات با سن مخاطبان آن انجام می‌شود. «ادبیات کودک و نوجوان نمونه زیبایی از ادبیات است که بخش عمده‌ای از رشد فرهنگی و فکری کودکان را بر عهده دارد. شعر کودک، بخش اساسی این نوع ادبیات را تشکیل می‌دهد و زمینه را برای رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی کودکان و پرورش استعداد‌های آنان فراهم می‌سازد. دنیای کودک، دنیای حساس و مهم به لحاظ تأثیر تربیتی و اخلاقی است و شعر به عنوان یکی از ابزارهای تربیتی در این میان، نقشی مهم ایفا می‌کند.» (علایی، ۱۳۹۹: ۴۵۵) می‌توان گفت ادبیات کودکان و نوجوانان، تلاشی هنرمندانه در قالب کلام است که برای هدایت کودک و نوجوان به سوی رشد، با زبان و شیوه‌ای مناسب و درخور فهم او صورت می‌گیرد. به بیانی دیگر، ادبیات چگونگی تعبیر و بیان احساسات، عواطف و افکار به وسیله واژگان در اشکال و صورت‌های گوناگون است. ادبیات، کودکان و نوجوانان را در همه اوقات زندگی پرورش می‌دهد و باعث شادی خاطر، وسعت تخیل و قوت تصور آنها می‌شود و نیز نیروی ابتکار و ابداع به او می‌بخشد. «این گونه ادبی، به معنای عام، به آثاری اطلاق می‌شود که هم از نظر درون‌مایه و ساخت و پرداخت و تصویر و هم از نظر زبان و بیان و شیوه ارائه با نیازها،

علاقه‌مندی‌ها، تجربه‌ها و توانایی‌های درک و خواندن کودکان و نوجوانان متناسب باشد.» (قول ایاغ: ۱۳۸۹: ۲۸)

### داستان کودک در دهه هشتاد

وضعیت داستان کودک و نوجوان در دهه هشتاد، نسبت به اواخر دهه هفتاد، با افت کمی آثار کودک و نوجوان، روبه‌رو شده است. البته این افت کمی دوام چندانی نداشت، در سال هشتاد و یک، آثار در این حوزه، افزایش چشمگیر داشت و این آثار، سیر صعودی خود را طی کرد، به این ترتیب در سال هشتاد و پنج، تعداد این آثار به بالاترین حد خود در طول سال‌های پس از انقلاب رسید. گفتنی است که افزایش آثار، بیشتر مربوط به آثار غیرداستانی و ترجمه بوده است. در حوزه آثار داستان تألیفی در این سال‌ها، باید گفت علی‌رغم افزایش کمی آثار به‌طورکلی در نیمه دهه هشتاد، آثار داستان - تألیف به لحاظ کمی، افزایش چندانی نداشته است. این در حالی است که آثار داستان - ترجمه، همانند دهه گذشته، به‌وضوح توانسته است بر آثار داستان - تألیف غلبه کند. در حوزه آثار تألیفی می‌توان گفت: که با افت تعداد آثار داستان - تألیف در سال‌های آغازین این دهه که تا نیمه آن نیز ادامه یافته، روبه‌رو بوده‌ایم. به‌طورکلی به لحاظ کیفی نیز رشد قابل ملاحظه‌ای در آثار مشاهده نمی‌شود، در مقابل، آثار ترجمه بر آثار تألیفی غلبه کرده است.

### تعریف تمثیل

تمثیل ارائه شخصیت، اندیشه یا واقعه‌ای است به طریقه‌ای که هم خودش را نشان دهد و هم چیز دیگری را، به عبارت دیگر «تمثیل یک معنای آشکار دارد و یک یا چند معنای پنهان تمثیل یک نوع تصویر انگاری است که در آن مفاهیم و اندیشه‌های اخلاقی از قبل دانسته شده به‌طور عمد به اشخاص، اشیا و حوادث شده است در حالی که سمبولیسم (نمادگرایی) شناخت موجودات و اشیا به فرم احساسی است به نحوی که امور مذکور ادراک نشده باشد و قابل درک هم نباشد.» (گرام، ۱۳۶۵: ۱۳۱)

در یک تعریفی کلی، تمثیل به انواعی از داستان گفته می‌شود که شخصیت‌های آن موجوداتی غیر از انسان‌ها هستند که البته ویژگی‌ها و صفات و رفتاری مانند انسان‌ها دارند. با توجه به موضوع و نحوه بیان، نام‌های گوناگونی دارد:

۱. رایج‌ترین و پرکاربردترین نوع تمثیل، داستان‌ها و حکایاتی است که از زبان حیوانات و گیاهان و جمادات نقل می‌شود. به این‌گونه «فابل» می‌گویند. «در این افسانه‌ها، حیوانات فقط ظاهر حیوانی دارند؛ ولی مثل انسان‌ها فکر می‌کنند، احساس می‌کنند و حرف می‌زنند. حتی در بعضی از مواقع، به تحلیل اجتماعی و سیاسی می‌پردازند... این افسانه‌ها محبوب‌ترین نوع افسانه، برای اطفال خردسال هستند.» (حجازی، ۱۳۸۰: ۱۵۱) بهترین نمونه‌های فابل در ادبیات فارسی را می‌توان در کتاب‌هایی مانند «کلیله و دمنه» نصرالله منشی و «مرزبان‌نامه» و راوینی دید. مواردی نیز در «مثنوی» مولوی دیده می‌شود. «فابل‌ها در متون کهن ادب ایران‌زمین، خصوصاً آثاری که در زمره ادبیات تعلیمی قرار دارند، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. حکایت‌های حیوانات همیشه برای مردمان هر نسل و هر روزگار از کشش و جذابیت خاصی برخوردار بوده است. معمولاً حیوانات با ویژگی‌های انسان‌ها مقایسه می‌شوند. برخی خیراندیش و نیکوکردارند و گروهی خوی اهریمنی و شراندیش دارند.» (پاکدل، ۱۳۹۴: ۱۲۸) این شیوه در ادبیات ویژه کودک و نوجوان فراوان به کارگرفته می‌شود و کودکان نیز اغلب ارتباط خوبی با داستان‌های مربوط به حیوانات برقرار می‌کنند.

۲. گاه معانی فلسفی، اخلاقی، عرفانی و یا حکمی خاصی با زبان تمثیل و داستان به صورت رمز و اشاره، بیان می‌شود که این‌گونه تمثیل رمزی یا سمبلیک نامیده می‌شود. نمونه‌هایی از تمثیل‌های رمزی و سمبلیک را در «منطق الطیر» عطار و «مثنوی» مولوی می‌توان دید. البته برخی از این حکایات که از زبان حیوانات ذکر شده است، در زمره فابل نیز قرار می‌گیرند. در این شیوه، حیوانات و گیاهان در نقش‌هایی نمادین ظاهر می‌شوند. از این رو بیشتر در متون مربوط به بزرگسالان کاربرد دارد.

۳. «نوع دیگر تمثیل، پارابل یا مثل‌گویی و مثل آوردن است. پارابل روایت کوتاهی است که در آن شباهت‌های ضمنی، اما مفصل و دقیق و جزء به جزء، با اجزای یک عقیده یا آموزه، وجود



داشته باشد. یعنی همین که روایت را می‌خوانیم، خودبه‌خود متوجه یک اصل یا عقیده اخلاقی می‌شویم... در قرآن مجید و آثار منظوم و مثنوی صوفیان، از پارابل فراوان استفاده شده است.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷۳) در هر صورت داستان‌های تمثیلی، در قالب هریک از انواع گفته شده که نوشته شود، هدف اصلی آن ارائه پند یا اندرز یا نکته‌ای اخلاقی است؛ خواه به زبان نظم یا نثر و خواه مخاطب کودک و نوجوان باشد و خواه بزرگسال پس از خواندن این حکایات یا داستان‌های تمثیلی، اندرزی کاربردی و مفید را با زبانی سمبلیک و تمثیلی دریافت می‌کند.

### بحث و بررسی

در این نوشتار، چند کتاب ویژه کودک و نوجوان که در دهه هشتاد به رشته تحریر درآمده، از نقطه نظر ادبیات تمثیلی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و پند و اندرزهای گنجانده شده در لابه‌لای داستان‌های آنها بازبینی و تبیین شده است.

#### ۱. کتاب «لولوی قشنگ من»، (۱۳۸۷)، نوشته سحر انواری، ویژه گروه سنی «الف».

شخصیت اصلی این داستان، یک مترسک به نام «لولو» است که با کمک و همراهی دوستش که بزی بازیگوش است، از جای خود حرکت می‌کند و به آرزوی خود می‌رسد:

– «کاش می‌توانستم از آن بالا، از نوک آن کوه، به دنیا نگاه کنم. حتماً از آن بالا خیلی چیزها پیدا است!»

– «درست است که من همه چیزها را می‌خورم، ولی از همه بهتر از کوه بالا می‌روم!... خب می‌توانم تو را به آرزویت برسانم.» (انواری، ۱۳۸۷: ۱۳)

بزی بازیگوش، لولو را از چوبی که مانع حرکت او شده آزاد می‌کند. او را به بالای کوه و در نهایت به آرزویش می‌رساند. مترسک هم از کاه (که در واقع وجود خودش است) تغذیه بزی را تأمین می‌کند.

این داستان تمثیلی کودکانه، از نوع فابل است. شخصیت‌های آن یک مترسک و یک بزی هستند، اما با وجود نشان دادن محدودیت‌های هریک از آنها، رفتار و صفاتی انسانی به آنها نسبت داده

شده است. نکته‌های پندآموز و تعلیمی که اولیا و آموزگاران، با خواندن این کتاب می‌توانند برای کودکان تشریح کنند این است که محدودیت‌ها و ناتوانی‌ها را نادیده بگیرند و برای رسیدن به آرزوها و اهداف خود اقدام کنند. از وجود خود مایه بگذارند و به کم قانع نباشند و هدف را تا عالی‌ترین درجه ممکن دنبال کنند. همچنین حضور دوست همراه و یاریگر و نقش مثبت او در دستیابی به اهداف و امیال در این داستان قابل توجه است. این تمثیل به‌راحتی برای کودکان قابل درک است و معنای نهفته در آن نیز در حد درک کودکان است.

نکته قابل تأمل در این داستان، استفاده از مترسک آن هم با نام «لولو» است. در ادبیات شفاهی و فولکلور فارسی، «لولو» نماد موجودی ترسناک است که اغلب برای ترساندن کودکان از آن نام می‌بردند. در لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه «لولو» آمده است: «صورت مهیبی که برای ترسانیدن اطفال سازند. وجودی وهمی که بچه‌های خرد را بدان ترسانند. بخ. مترس اطفال. ضاغت. ضاغب. لولوخرخره. لولوخرناس. صورتی مهیب که بدان کودکان را ترسانند. صورتی وهمی که بدان اطفال را ترسانند و گاه زنی با پوستینی وارون در بر و دیگری به‌جای کلاه بر سر، به اطفال خود را نماید و این بس زشت و مخالف اصول تربیت اطفال است.» (دهخدا، ۱۳۴۵: ذیل واژه) تمثیل مترسک نیز نمادی است از افراد بی‌خاصیت، منفعل و بی‌اثر؛ انسانی که بزرگ و مهم جلوه کند ولی توخالی و عاری از هر کنش مثبت باشد. در واقع نویسنده، شخصیتی ترسناک، منفور و منفعل را در قالب تمثیل، به شخصیتی تبدیل کرده است که برای رسیدن به هدف و آرزوی خود، نهایت تلاش خود را می‌کند و حتی از جان (که در این‌جا کاهی است که بدن مترسک با آن پر شده است) مایه می‌گذارد.

کتاب «قلب مترسک»، (۱۳۸۶)، نوشته یالواچ اورال و با ترجمه محمدرضا مهرافزا نیز از همین دست است. در این داستان فضایی بسیار دوستانه حاکم است. مترسکی که با مهربانی و خوشرویی از جوجه ساری تنها، حمایت و مراقبت می‌کند و علی‌رغم این که مادر سار او را از کودکی از مترسک ترسانده و از نزدیک شدن به آن برحذر داشته، مترسک رابطه‌ای دوستانه را با او رقم می‌زند. چنین داستان‌ها و تمثیل‌هایی می‌تواند علاوه بر ایجاد حس حمایت‌گر و دوستانه

در ذهن کودکان، برخی از تابوها و ذهنیت‌هایی که بی‌جهت به‌عنوان عناصری منفی و دوست‌ناداشتنی معرفی شده‌اند را تبدیل به عناصری مفید، دوست‌داشتنی و قابل احترام کند. علاوه بر آن، کودکان در این داستان به‌طور ضمنی می‌توانند با تعدادی از حیوانات مزرعه آشنا شوند.

«امروزه کمتر اتفاق می‌افتد که کودکان شهرنشین، حیوانات را در محیط طبیعی‌شان مشاهده کنند. به همین جهت داستان‌های حیوانات، امکانی برای آشنایی کودکان با حیوانات مورد علاقه آنان است. علاقه کودکان به داستان‌های حیوانات، نویسندگان را به‌سوی این داستان‌ها کشانده است.» (علیمی، ۱۳۹۴: ۳۱)

هم‌چنین کتاب «دیو دیگ به سر»، (۱۳۸۸)، نوشته فرهاد حسن‌زاده، برای گروه سنی «لف» و «ب». در این کتاب نیز در فضایی مشابه، نویسنده تلاش دارد ترس و وحشت ذاتی که از واژه «دیو» تحت تأثیر فرهنگ اجتماعی، ممکن است برای کودکان ایجاد شود را از بین برده و آن را تبدیل به موجودی بازیگوش و دوست‌داشتنی کند. در این داستان، بزبک سر خود را در دیگ فرومی‌کند و گرفتار می‌شود و اهالی روستا با ذهنیتی که از دیو دارند، بزبک را با دیو اشتباه می‌گیرند و با ترس بی‌مورد خود به ماجرا دامن می‌زنند. نویسنده با بهره‌گیری هم‌زمان از شخصیت‌های انسانی و حیوانی و به عبارتی با کمک تمثیل، داستانی را روایت می‌کند که در روند آن علاوه بر دنبال کردن داستان اصلی، مخاطب را با برخی از مشاغل و ابزار و لوازم کار آنها آشنا می‌کند و فضایی شاد و خنده‌دار ایجاد می‌کند. هم‌چنین در لابلای داستان نویسنده کودک را مخاطب قرار داده و پرسش‌هایی مطرح می‌کند و یا تعدادی پرسش هوش و سرگرمی متناسب با موضوع و تصاویر داستان مطرح می‌کند و از این طریق، مخاطب را به فعالیت وامی‌دارد با خود همراه می‌کند: «این دیگر چیست؟ دیو چهارپا؟ شاید؛ دیو کله‌گنده؟ شاید؛ لولو خورخوره؟ نمی‌دانم. چطور است داستان‌ها را بگویم تا با او آشنا بشوی؟ اول بگو ببینم می‌ترسی یا نه؟ اگر می‌ترسی جلو نیا! این داستان درباره یک موجود ترسناک است. اگر مثل من شجاعی ورق بزنی و دنبال بیا!» (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۹) یا در پایان داستان می‌گوید: «راستی مردم روستا به چه می‌خندیدند.» (همان: ۵۲) این روش در نوع خود عملکردی خلاقانه و قابل تقدیر است. «بیشتر

اوقات وقتی بزرگسالان با کودکان کتابی را مطالعه می‌کنند، فرد بزرگسال کتاب را روخوانی می‌کند و کودک گوش می‌سپارد. در خواندن گفتگومحور، فرد بزرگسال به کودک کمک می‌کند تا قصه گو باشد. بزرگسال به شنونده، پرسش‌گر و مخاطب کودک تبدیل می‌شود... کودکان هنگامی از کتاب بیشترین یادگیری را دارند که خود به صورت فعال در جریان مطالعه سهیم باشند... کودکانی که به این روش با آنها کار شده، در مقایسه با کودکانی که به شیوه معمول برایشان کتاب خوانده می‌شود، در آزمون‌های زبان به مراتب بهتر عمل می‌کنند.» (وایت‌هرست، ۱۳۹۴: ۴۷)

۲. کتاب «قصه دو تا لاک پشت تنها»، (۱۳۸۵)، به قلم مصطفی رحمان دوست، ویژه گروه

#### سنی «الف»

این کتاب نیز از نوع فابل است. در این کتاب، نویسنده داستان دو لاک پشت که هرکدام در یک طرف تپه، در تنهایی زندگی می‌کنند را روایت می‌کند. این دو لاک پشت در یک روز تصمیم می‌گیرند که خود را از این تنهایی و انزوا رها کنند. این دو پس از طی مراحل و غلبه بر ترس خود، یکدیگر را ملاقات می‌کنند.

با کمک این داستان تمثیلی، می‌توان لزوم حضور دوست و همدم در زندگی را به کودکان آموزش داد. اما توجه به این نکته نیز ضروری است که دوست و هم‌نشین را به گونه‌ای باید انتخاب کرد که هم‌فکر و هم‌رده باشد. لزوم پرهیز از دوستی با افرادی که ممکن است برای فرد تهدیدی به شمار آیند، نیز در این تمثیل و در قالب داستان آمده است.

نکته قابل ذکر این است که در این داستان چگونگی آشنایی یک خانم و آقا و آغاز زندگی مشترک آنها، در قالب داستانی تمثیلی روایت شده است که به نظر می‌آید چندان با موقعیت سنی و دریافت‌های روحی آنان سازگار نیست و شاید اگر این آشنایی منجر به دوستی بین دو نفر مثلاً دو کودک می‌شد برای کودکان مفیدتر و کاربردی‌تر بود. چون در این سن آغاز حضور کودکان در مهد کودک و پارک‌های بازی است و کودکان با هم‌سالان خود مواجه می‌شوند و دوستان جدیدی پیدا می‌کنند.

۳. کتاب «فرشته‌ای از آسمون»، (۱۳۸۰)، سروده ناصر کشاورز برای گروه سنی «الف» و «ب».

در این کتاب که به صورت تمثیل از نوع نظم به رشته تحریر درآمده است، داستان فرشته‌ای نقل می‌شود که از تنهایی خسته و دل‌شکسته است و به زمین می‌آید و به دنبال دوست می‌گردد. در همین راستا، یک گربه، یک کلاغ، یک تفنگ، یک طاووس، یک کامیون و یک موش، به او پیشنهاد دوستی می‌دهند. اما فرشته دوستی هریک را بنا به دلایلی رد می‌کند. در واقع فرشته در هریک از آنها یک صفت بد یا مشکل اخلاقی را عنوان می‌کند و پیشنهاد دوستی آنها را نمی‌پذیرد. نکته قابل تأمل در این شعر این است که دلایل ذکر شده و نیز واژه‌ها و صفاتی که از جانب فرشته به این موجودات نسبت داده شده، چندان مؤدبانه نیست. لحن فرشته نیز لحنی صلح‌جویانه و مهربان نیست و گاه احساس می‌شود با تندگی موجودات یاد شده را از خود می‌رانند. مثلاً خطاب به گربه می‌گوید: «نه نمی‌خوام گربه سیاه! برو کنار از توی راه/ تو هی میری تو آشغال/ از دیوارا میری بالا/ من با تو دوست نمی‌شم...» (کشاورز، ۱۳۸۰: ۱۴) چنان که ملاحظه می‌شود صفاتی که برای گربه برشمرده است، جزو خصصت‌های گربه است و سیاه بودن، بالا رفتن از دیوار و پیدا کردن غذا از ظرف زباله، برای گربه نکته منفی تلقی نمی‌شود. یا در پاسخ کلاغ می‌گوید: «من تو رو دوست ندارم/ چه کار داری به کارم/ از سر راه برو کنار/ خسته شدم از این صدای قار و قار/ من با تو دوست نمی‌شم...» (همان: ۱۵) و به همین ترتیب با سایرین برخورد می‌کند. «یکی از مهم‌ترین جلوه‌های شعر خردسال، جنبه‌های تربیتی و اخلاقی است. جنبه اخلاقی و تربیتی آنجایی مهم تلقی می‌شود که به تغییر رفتاری منجر شود. به عبارت دیگر نتیجه عملی که شعر خردسال در پی دارد، اگر صحیح و بجا نباشد پیدایش شاخصه‌های رفتاری منفی را تسریع می‌کند... اهمیت این نکته ایجاب می‌کند که شاعر در تعبیه نکات اخلاقی و تربیتی در اثرش نهایت دقت و حساسیت را به کار بندد. در شعر گروه سنی "الف" به نسبت مخاطبان گروه سنی "ب" و بالاتر خط قرمزهای بیشتر و مهم‌تری وجود دارد که بر محتوا و نوع بیان و حتی دایره واژگان شعر تأثیر می‌گذارد.» (میرحسینی، ۱۳۹۴: ۳۶) شاعر یا نویسنده، می‌توانست دلایل منطقی‌تر، مؤدبانه‌تر و محترمانه‌تری برای نپذیرفتن دوستی ارائه دهد؛ چون در هر صورت همگی این موجودات با

نیت دوستی به سمت وی می‌آیند. اگرچه به نظر می‌رسد هدف نویسنده از سرودن این شعر، نکوهش رذایلی اخلاقی مانند غرور، دزدی، ایجاد مزاحمت و... است؛ اما شیوه‌ای که برای بیان این موضوعات انتخاب کرده است، نامناسب است. از دیگر سو، در پایان داستان فرشته دختری را برای دوستی انتخاب می‌کند و معیارش را برای انتخاب دوست این‌گونه بیان می‌کند: «من هم به فکر اونم، تنها تو آسمونم، من عاشق دل‌های مهربونم» اگرچه مهربانی صفتی مناسب و پسندیده برای یافتن دوست است؛ اما متأسفانه نویسنده هیچ معیاری به دست نمی‌دهد که مشخص شود چه ویژگی در دختر، باعث شده است که فرشته وی را دختری مهربان بداند.

#### ۴. کتاب «پله‌بازی»، (۱۳۸۳)، اثر سرور کتبی. برای گروه سنی «الف».

این کتاب مجموعه‌ای از چند داستان کوچک است که نویسنده در هر یک از آنها ارتباط کودک با برخی از لوازم خانه، مکان‌ها، اعضای خانواده و موقعیت‌ها را با زبانی کودکانه و دل‌نشین بیان نموده است. این داستان‌ها با زبان تمثیل کودک را با اشیائی از جمله یخچال، قاشق، ساعت و مکان‌هایی از جمله حمام، راه‌پله، سالن سینما و یا موقعیت‌هایی از قبیل خریدن هدیه آشنا می‌کند. در این داستان‌ها کودک با اشیای اطراف خود حرف می‌زند و رابطه‌ای دوستانه را رقم می‌زند. «رشد اجتماعی، بخشی مهم از رشد همه جانبه کودکان است این جنبه از رشد، ارتباط نزدیکی با ادبیات کودکان دارد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که تقویت رفتارهای مثبت اجتماعی کودکان به صورت مستقیم یا از راه پند و اندرز میسر نمی‌شود؛ بلکه ارائه الگوهای مناسب در عمل و با شخصیت‌پردازی‌های جذاب در داستان‌ها، اشعار، سرگذشت‌ها و... در این زمینه تأثیرگذاری بیشتری دارد. اما این اثربخشی در صورتی امکان‌پذیر است که پدیدآورندگان آثار کودکان از روند جامعه‌پذیری آنان آگاه باشند، عوامل مؤثر در این فرایند را بشناسند از مراحل و چگونگی رشد اخلاقی کودکان اطلاع کافی داشته باشند و از انگیزه‌های کودکان در انجام رفتارهای اجتماعی و اخلاقی با خبر باشند.» (مهرزاد، ۱۳۹۴: ۴۰) با پرداختن به چنین فضاهایی در داستان کودک و بهره‌گیری از تمثیل‌هایی که عناصر آن، موجودات و اشیای آشنا برای کودک باشد، قطعاً تأثیری ماندگار در رفتار و اندیشه‌های کودک به‌جامی‌گذارد.

۵. کتاب «کلوچه‌های خدا»، (۱۳۸۷)، به قلم کلر ژوبرت، برای گروه سنی «الف».

یکی از کاربردهای آشنا و بارز تمثیل در داستان‌پردازی، بیان مقاصد مذهبی و عرفانی است. در واقع بخش بزرگی از ادبیات تعلیمی فارسی، مبتنی بر موضوعات معنوی، عرفانی و مذهبی است که در این گونه داستان‌ها، نویسنده با زبان رمز و اشاره و تمثیل، معانی فلسفی، عرفانی یا مذهبی را به مخاطب عرضه می‌کند. نمونه بارز این گونه تمثیل‌های سمبلیک مذهبی و عرفانی، «بوستان» سعدی، «منطق الطیر» عطار و «مثنوی معنوی» مولوی است. اما این نوع ادبیات فاخر، در حد درک کودکان و گاه حتی نوجوانان نیست. اما از همین شیوه، می‌توان برای آموزش‌های مذهبی ویژه کودکان نیز بهره گرفت «ادبیات تعلیمی می‌تواند تخیلی هم باشد؛ یعنی مسأله‌ای که می‌خواهد تعلیم دهد به صورت داستانی و نمایشی درآورد تا جاذبه بیشتری یابد و از این شیوه به‌خصوص در کتاب‌های کودکان استفاده می‌کنند.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷۹) این رویکرد به دو شیوه قابل اجراست: نخست بیان زندگی‌نامه پیامبران، امامان، و بزرگان دین و نیز داستان‌هایی از بخش‌هایی از زندگی این بزرگان و سیره و سلوک و رفتارشان با دیگران، در قالب داستان و تمثیل و شیوه دوم نقل داستان‌هایی با مضامین معنوی و مذهبی و اخلاقی، با بهره‌گیری از شخصیت‌های تمثیلی است.

در کتاب «کلوچه‌های خدا» نویسنده تلاش دارد در قالب داستانی تمثیلی و با بهره‌گیری از شخصیت حیوانات، مفاهیمی چون شکرگزاری، مهربانی، خشنودی خداوند، دوستی، بخشش و حتی ایثار را برای کودکان با زبانی ساده و داستانی روشن کند. «خرس کوچولو از خواب بیدار شد و سر از لانه‌اش بیرون آورد. به اطرافش نگاه کرد و با شگفتی فریاد زد: «وای خدا جان! چقدر این جا را قشنگ کرده‌ای... چطور برای این همه قشنگی از خدا تشکر کنم؟» (ژوبرت، ۱۳۸۷: ۷)...

کلاغ گفت: «بهترین کار این است که برای خدا کلوچه بپزی.» جوجه تیغی اعتراض کرد و گفت: «نه بهترین کار این است که با همه مهربان باشی. خدا مهربانی را بیشتر از کلوچه دوست دارد.» (همان: ۸)

چنان که ملاحظه می‌شود، داستان با بهترین شیوه برای شکرگزاری و خشنودی خداوند شروع می‌شود با مهربانی ادامه می‌یابد و در نهایت با ایثار تکمیل می‌شود و با خوشحالی خرس کوچولو

و اطمینان قلبی او از رضایت و خشنودی خدا به پایان می‌رسد. «یک‌تکه هم برای خرس کوچولو ماند، اما خرس کوچولو آن را نخورد. فقط آرام به شکمش که هنوز قار و قور می‌کرد زد و گفت: ساکت!... خرس کوچولو دیگر کلوچه‌ای نداشت که برای خدا ببرد؛ ولی ته دلش مطمئن بود که خدا از او راضی است.» (همان: ۸)

نکته جالب توجه در این داستان این است که شخصیت اصلی داستان، کاری خارق‌العاده یا دشوار را انجام نمی‌دهد، که امکان انجام آن برای مخاطب کودک وجود نداشته باشد. بلکه عملکردی قابل‌الگوبرداری و قابل اجرا را به کودکان ارائه می‌دهد. «تربیت دینی، هدف غایی همه اقدام‌های تربیتی است و ابعاد دیگر تربیت مانند جسم، عاطفه، عقل، جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی با آن در ارتباط هستند و شکل‌گیری شخصیت دینی، به معنی برخورداری از ویژگی‌های خاص متناسب با معیارهای تعالیم دینی در هر یک از جنبه‌های یاد شده است. تربیت دینی، چیزی در عرض دیگر جنبه‌ها نیست؛ بلکه در طول آن و در مرتبه بالاتری قرار دارد.» (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۰)

بدون شک القای مفاهیم ارزشمند اخلاقی و معنوی به نسل جدید، یکی از اهداف والای ادبیات و به‌ویژه ادبیات کودک و نوجوان است و این مهم به بهترین شکل با داستان‌های تمثیلی قابل اجراست. به عبارتی هدف ادبیات کودکان، ساختن آینده کودکان و نتیجتاً جامعه است. چنین ادبیاتی با چنین اهداف ارزشمندی، لازم است قبل از هر چیز حس خوشایندی در مخاطب خود که در حساس‌ترین دوران سنی است برانگیزد و در ضمن ارائه مفاهیم مهم دینی و مذهبی، پاسخگوی نیازهای عاطفی و هیجانی او نیز باشد و حتی تلنگری بر روح و باطن پاک وی وارد کند. ادبیات کودک رابطه‌ای مستقیم با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی دارد و هدف بنیادین ادبیات کودک، ارتقاء مناسب کودک به یک بزرگسال بهنجار و آشنا و پایبند به اصول معنوی و اخلاقی است.

۶. کتاب «یخی که عاشق خورشید شد»، (۱۳۸۹)، نوشته رضا موزونی ویژه گروه سنی

«ب» و «ج».

در این کتاب زبان تمثیل برای روایت داستانی به کار گرفته شده است که در آن تکه‌ای یخ عاشق خورشید می‌شود و با وجود هشدار خورشید بابت این دوستی نافرجام، یخ هم‌چنان به ادامه



این دوستی و عشق اصرار می‌ورزد تا جایی که به کلی آب می‌شود و به جای آن گل آفتاب‌گردان زیبایی می‌روید.

پیش‌تر گفته شد که هدف از نقل داستان و به‌کارگیری تمثیل، علاوه بر لذت و سرگرمی، آموزش یا ارائه نکته‌ای اخلاقی، اجتماعی، رفتاری یا دینی و مذهبی است. اگرچه اشعار و داستان‌هایی که برای کودکان نوشته می‌شود، باید به شکلی مستقل و دور از فضاهای موعظه‌گرانه و متناسب با روحیه کنجکاو و خلاق کودک خلق شوند؛ اما «با این حال شعر خردسال [و کودک و نوجوان] به شناسایی و معرفی رازها و دیدنی‌های پیرامون زندگی بچه‌ها می‌پردازد و باز هم آموزشی به نوع دیگر دارد. آینه‌ای برای نشان دادن جهان پیش روی کودک است و به همین خاطر به آموزش نیز گرایش نشان می‌دهد.» (نیک‌طلب، ۱۳۹۴: ۳۱) بنابراین باید توجه داشت که ارزنده‌ترین و بارزترین ویژگی داستان‌های کودک، انتقال و ارائه پیام‌های آموزشی مفید و برگرفته از فرهنگ، زبان و آیین و رسوم ملی و مذهبی و بر اساس معیارهای اخلاقی و دینی است که، از طریق ایجاد فضائی جذاب و سرگرم‌کننده، میسر است. اما به نظر می‌رسد نویسندۀ این کتاب، چندان مقید به ارائه نکته تربیتی یا آموزشی نبوده است و البته داستان به حد لازم به جنبه‌های لذت‌بخشی و سرگرم‌کنندگی نیز توجه نشان نداده است.

۷. سه کتاب با مضمون‌های مشابه با نام‌های «جنگل کوچک»، (۱۳۸۰)، نوشته آلبرتو بنی‌ویلی، و ویژه گروه سنی «ب»؛ «بنگ! بنگ!»، (۱۳۸۱)، نوشته سرور کتبی، برای گروه سنی «ب» و «باغچه بره کوچولو»، (۱۳۸۵)، نوشته نورا حق‌پرست، برای گروه سنی «الف» و «ب». در این سه کتاب که حیوانات شخصیت‌های اصلی آن هستند، با زبان تمثیل، جنگل و طبیعت توسط جانوران محافظت و حراست می‌شود و از دستبرد هیزم‌شکن و شکارچی در امان می‌ماند. در این داستان‌ها مخاطب می‌آموزد که جنگل، دشت و طبیعت متعلق به همه است و همه به یک میزان از آن بهره‌مند می‌شوند و در نتیجه باید همه در حفظ و حراست آن بکوشند. کارشناسان امر آموزش کودکان، بهره‌گیری از داستان‌سرایی را، راهی برای ایجاد ارتباطی سازنده بین دنیای تمثیلی، تخیلی یا فانتزی داستان با تمام زشتی‌ها و زیبایی‌های دنیای واقعی می‌دانند. داستان می‌تواند گاه

نقش معلمی دوست‌داشتنی را بازی کند و با آگاه کردن کودک نسبت به تجارب مطلوب زندگی، باعث بروز خصلت‌های پسندیده در کودکان شود و او را با جهان پیرامون آشنا کند. بهره‌گیری از زبان تمثیلی داستان‌ها برای آشنایی کودک با محیط زیست و طبیعت و لزوم نگهداری از آن بسیار کاربردی و تأثیرگذار است. حتی مراحل اولیه دانش‌های تئوریک مانند ریاضی، فیزیک، شیمی و... را نیز می‌توان با زبان داستان به کودکان آموخت. «به‌وسیله داستان می‌توان حقایق زیادی از تاریخ، جغرافی، مبادی علوم، طبیعت، نباتات، حیوانات، مبادی حساب و اکثر فضایل اخلاقی را به کودکان آموخت. هر داستانی دارای فکر، نتیجه، خیال، روش و زبان است و هریک از اینها در آموزش و پرورش آموزشگاهی ضروری می‌نماید.» (شعاری‌نژاد، ۱۳۴۵: ۶۰) البته این نوع کتاب‌ها معمولاً بار آموزشی بالاتری دارند و مستقیم‌تر و سراسرتر مطلب مورد نظر نویسنده را برای کودکان شرح می‌دهد. در همین راستا می‌توان به کتاب «زمین پاک»، نوشته مرسر مایر (۱۳۸۹) اشاره کرد که در مورد گرم شدن کره زمین و راهکارهای فردی مقابله با آن، توضیح داده شده است. در این کتاب نیز با زبان تمثیل تأثیرات آب و هوا بر زندگی جانوران مناطق مختلف زمین شرح داده شده است. البته باید گفت جنبه آموزشی این کتاب بر جنبه‌های ادبی و سرگرم‌کننده آن برتری یافته و می‌توان از آن به‌عنوان کتابی کمک آموزشی در مراکز پیش‌دبستانی و سال‌های اولیه دبستان از آن استفاده کرد و آموزگار می‌تواند در مورد مطالب آن با کودکان بحث و تبادل نظر کند.

#### ۸ کتاب «این همه تَلَق و مَلَق» (۱۳۸۸)، به قلم سرور کتبی، ویژه گروه سنی «الف» و «ح».

این کتاب نیز با بیانی تمثیلی، داستان دوستی و هم‌نشینی یک بُز و یک درخت را روایت می‌کند. در این داستان، «بُز آشپز»، با همسایه خود «درخت غرغرو» مدارا می‌کند و نه تنها بداخلاقی او را تحمل می‌کند، بلکه روزی که درخت غر نمی‌زند، نگران او می‌شود و احوال او را می‌پرسد. سپس با ذکر محاسن و زیبایی‌های درخت، زمینه اعتماد به نفس، شادی و رضایت درخت را فراهم می‌کند و دوستی توأم با مهربانی و رضایت دو طرف را رقم می‌زند.

زبان این داستان اندکی ریتمیک و مبتنی بر وزن‌های کوتاه عروضی است که در کنار فضای صلح‌آمیز داستان، و پایان خوشایند آن، جوی لذت‌بخش و دل‌نشین را برای مخاطب ایجاد می‌کند.

«یکی از ویژگی‌های شعر خردسال [و کودک] شاد و مفرح بودن است. این شاخصه را می‌توان علاوه بر انتخاب مضامین و موضوعات شاد از طریق اوزان عروضی نیز به وجود آورد. استفاده از اوزان کوتاه، دوری و ریتمیک، ممکن است به ایجاد فضایی شاد در شعر کمک کند و به این ترتیب بر شادی و جنب و جوش مخاطب بیفزاید... علاوه بر اوزان رسمی، می‌توان از اشعار هجایی و حتی با زبان محاوره‌ای شبیه به ترانه‌ها و اشعار عامیانه نیز بهره برد.» (خدابین و میرحسینی، ۱۳۹۴: ۴۸) این کتاب هر دو ویژگی را دارد؛ هم زبان عامیانه و هم فرم ریتمیک. علاوه بر این، ارائه حکمت و نکته اخلاقی که هدف اصلی داستان‌های تمثیلی است نیز در این داستان مغفول نمانده است. آموزه‌هایی مانند تاب‌آوری، رعایت حق همسایگی، برجسته کردن و ذکر نقاط مثبت شخصیت و ظاهر دیگران و در نهایت تلاش برای برقراری رابطه‌ای مبتنی بر صلح و آرامش و دوستی از نکاتی است که می‌توان آشکارا از این داستان برداشت کرد. «اندیشه و مفهومی که در شعرهای کودکان وجود دارد، باید به شکلی باشد که کودکان خردسال بتوانند آن را درک کنند. برخی از این شعرها به طرز شگفت‌انگیزی ایده‌های روشنی را ارائه می‌کنند.» (معتمدی، ۱۳۹۴: ۵۶) و این یکی از نقاط مثبت قابل ذکر در این داستان تمثیلی است.

در فضایی مشابه، می‌توان به کتاب «کبوتر سفیدبرفی» اثر انید بلیتون اشاره کرد که در سال (۱۳۸۱) و برای گروه سنی «ب» به رشته تحریر درآمده است. در این کتاب نیز داستان دختر خردسالی روایت می‌شود که رفتاری مهربان و ستودنی با حیوانات دارد و حتی با گربه‌ای که به کبوتر او حمله کرده است، دشمنی نمی‌ورزد و تنها کاری که می‌کند، حفاظت از کبوتر در برابر حمله مجدد گربه است. درواقع حمله گربه به کبوتر را به بدجنسی یا بدرفتاری گربه تعبیر نمی‌کند و آن را به‌عنوان یک ویژگی رفتاری عادی برای گربه تلقی می‌کند. لازم به ذکر است که زبان این کتاب از نوع تمثیل نیست؛ بلکه داستانی معمولی است که اتفاقات قابل درک و روزمره‌ای که برای دختر رخ می‌دهد را روایت می‌کند. فضای داستان به‌دور از هرگونه رویاپردازی و فانتاستیک است. اما این عوامل نقطه ضعفی برای داستان به شمار نمی‌رود؛ چراکه درواقع تمثیل هدف نیست؛ بلکه ابزار و شیوه‌ای مناسب است برای دستیابی به دو هدف اصلی ادبیات کودک که

همان لذت بخشی و نیز آموزش غیرمستقیم است. بنابراین تمثیلی نبودن این داستان، موجب از بین رفتن یا کمرنگ شدن اهداف اصلی نوشتار کودک نشده است. در سراسر داستان، مخاطب با فضایی سراسر دوستی، محبت و عشق به حیوانات و ارتباط صحیح و دوستانه بین انسان‌ها روبروست. در واقع نویسنده، تلاش دارد بدون بهره‌گیری از زبان تمثیل، اندرزها و پیام‌های دوستانه خود را به مخاطب منتقل کند. اما در عین حال به آموزش صرف و مستقیم نیز نپرداخته است. «از این منظر زندگی روزمره کودک و آنچه در مناسبات روزمره با آن سر و کار دارد، بستری مناسب برای شعر خردسال به شمار می‌رود. در حقیقت کودک آنچه را که از طریق اشعار [و داستان‌ها] می‌شنود، با ارجاع به دیده‌هایش در زندگی روزمره، به مناسبات دیداری بدل می‌کند. این نوع آثار از یک سو علایق خویشتن‌بینی یا خودمحوری کودک خردسال را ارضا می‌کنند و از سوی دیگر به رشد و تربیت اجتماعی او کمک می‌کنند. چراکه کودکان و خردسالان از شنیدن آنچه درباره محیط مستقیم زندگی روزانه‌شان باشد خوشحال می‌شوند و لذت می‌برند.» (خدابین و میرحسینی، ۱۳۹۴: ۴۶)

#### ۹. کتاب «تن پیچ»، (۱۳۸۴)، به قلم مهسا جلیلی کمالیان، برای گروه سنی «ب» و «ج».

در این کتاب با داستان اتومبیلی روبرو هستیم که علاقه زیادی به تند رفتن و تند پیچیدن دارد. در تمام طول داستان نویسنده فقط در مورد سرعت بالای اتومبیل و خراب‌کاری‌هایی که به خاطر سرعت بالا به وجود می‌آورد صحبت کرده است. ایده آموزنده‌ای در این داستان به چشم نمی‌خورد، به سرانجام عبرت‌آمیز خاصی منجر نمی‌شود. نویسنده فضایی فانتزی را خلق می‌کند که در آن شخصیت اصلی داستان یک خودرو است که نه با دیگران ارتباطی برقرار می‌کند و نه حرفی می‌زند. «یکی از مهم‌ترین عناصر در ادبیات کودک امروز، جهان فانتزی است که با وهم و خیال در ارتباط است. پرداخت شخصیت‌های فانتزی در داستان‌های ادبیات کودک و نوجوان یکی از راهکارهایی است که نویسندگان برای جذب کودکان و سرگرمی آنها در کنار آن برای آشنایی آنان با دنیای واقعی خلق می‌کنند.» (حسام‌پور و آرامش‌فرد، ۱۳۹۱: ۳۲) اما پیش‌تر ذکر شد که در کنار حفظ بردن و سرگرمی، هدف ارزشمندتری نیز پشت ادبیات کودک است که لازم است از جانب نویسندگان این

عرصه مورد توجه قرار گیرد. حکمت و اندرز و آموزش، از جمله مقولاتی است که باید در انواع داستان اعم از تمثیلی، فانتزی یا واقعی مد نظر قرار بگیرد. «یکی از مزیت‌های استفاده از فانتزی در ادبیات کودکان، جنبه‌ای تربیتی و اخلاقی است.» (همان: ۳۳) اما داستان یاد شده، نه تنها نکته تربیتی خاصی را مطرح نمی‌کند، فضای چندان لذت‌بخش و نشاط‌آوری نیز ندارد.

### نتیجه

ادبیات داستانی همواره نقش مهمی در لذت و سرگرمی و در عین حال آموزش و تربیت کودکان داشته است. امروزه از دیدگاه علم روان‌شناسی و آموزش تخصصی، نقش داستان در رشد و پرورش مهارت‌های اجتماعی، عاطفی، ذهنی و زبانی و ارتباطی کودکان اثبات شده است. در واقع طبق نظر کارشناسان علوم تربیتی و آموزشی و نیز روان‌شناسان، یکی از بهترین شیوه‌های آموزش و پرورش کودکان، بهره‌گیری از زبان داستان است و یکی از بهترین انواع داستان‌ها، داستان‌های تمثیلی است. به‌کارگیری زبان تمثیل در داستان، تأثیرگذاری روایت را دوچندان می‌کند. به‌ویژه تمثیل‌هایی که در آنها از شخصیت‌های حیوانی استفاده شده است. این‌گونه داستان‌ها که به فابل معروف‌اند، از پرفرودارترین کتاب‌های کودکان به شمار می‌رود. در پژوهش حاضر، به‌صورت رندوم، تعدادی از کتاب‌های ویژه کودک و نوجوان که در دهه هشتاد منتشر شده‌اند، مطالعه شد و از نقطه نظر کاربرد تمثیل برای ارائه پند و اندرز در ادبیات کودک مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش به شرح زیر است:

- درصد قابل توجهی از کتاب‌ها برای ارائه داستان، از شیوه تمثیل و از گونه فابل بهره گرفته‌اند. بررسی انجام شده نشان داد که تقریباً تمام داستان‌ها به‌ویژه گروه‌های سنی «الف» و «ب» و «ج» از نوع داستان حیوانات است. در این کتاب‌ها یا شخصیت‌های اصلی داستان‌ها حیوانات هستند یا داستان پیرامون یک حیوان نوشته شده است؛ مانند کتاب «کبوتر سفید برفی» اثر انید بلیتون. درصد ناچیزی از کتاب‌ها نیز شخصیت‌هایی از نوع اشیا دارند مانند کتاب «تن پیچ» که در مورد یک اتومبیل است و نیز کتاب «یخی که عاشق خورشید شد» که شخصیت اصلی آن یک تکه یخ است.

- در اغلب آثار یاد شده، نویسنده از زبان تمثیل برای ارائه نکته‌ای آموزشی، تربیتی یا اخلاقی بهره گرفته است. از جمله حکمت‌ها و اندرزهایی که در این کتاب‌ها به کمک تمثیل ارائه شده است، می‌توان به این موارد اشاره کرد: شناختن آرزو و هدف و نیز تلاش برای دستیابی به آن؛ کمک به دوستان برای دستیابی به اهدافشان؛ از بین بردن ذهنیت منفی کاذب نسبت به برخی موجودات و جانوران از جمله مترسک، دیو و لولو؛ مهربانی و حمایت نسبت به افراد ضعیف‌تر؛ شکرگزاری از خداوند به خاطر چیزهای دوست‌داشتنی؛ ایثار؛ آشنایی با محیط زیست؛ نگهداری و مراقبت از طبیعت و اهمیت دادن به حیوانات و محیط زیست آنها؛ بالا بردن سطح تاب‌آوری در برابر بدقلقی یا بدخلقی افراد دیگر و...

- در ادبیات کودک و داستان‌های تمثیلی، توجه به این نکته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که همان‌گونه که کودکان پیام‌های مثبت و آموزنده را از فضای لذت‌بخش داستان دریافت می‌کنند، ممکن است که نکات منفی و ضد آموزشی را نیز فرا گرفته و ملکه ذهن کنند. بررسی محتوای برخی از کتاب‌ها اثبات می‌کند که الزاماً کاربرد تمثیل در داستان‌های کودکان، منجر به ارائه نکات مثبت اخلاقی و یا آموزه‌های تربیتی نمی‌شود و حتی گاه عدم توجه نویسنده به نحوه پرداخت داستان، ممکن است نتیجه عکس در بر داشته باشد و صفات زشتی را در ذهن کودک نهادینه کند. مانند کتاب فرشته‌ای از آسمون، که برخلاف انتظاری که از یک فرشته می‌رود، بیان و لحنی غیردوستانه، تا حدی نامهربان و نه‌چندان مؤدبانه به کار گرفته شده است. پس صرف بهره‌گیری از تمثیل، دلیل آموزنده بودن داستان نمی‌شود و بستگی کامل به موضوع و محتوای ارائه شده در داستان دارد.

- یکی از ویژگی‌های برجسته و البته ارزنده داستان‌های تمثیلی، ایجاد فضای شاد، هیجان‌انگیز، مشارکت دهنده و لذت‌بخش برای کودکان است که در تناسب کامل با روحیه ایشان باشد. برخی از داستان‌های تمثیلی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، متأسفانه فضایی کاملاً منفعل، بی‌روح و خالی از هرگونه شور و نشاط است و علاوه بر آن پیام روشن و آموزنده‌ای هم در بر ندارد. کتاب‌هایی مانند: یخی که عاشق خورشید شد یا کتاب تن‌پیچ.

- برخلاف آنچه انتظار می‌رود برای آموزش نکات مذهبی و معنوی، نیازی نیست که الزاماً از داستان‌های مذهبی یا زندگی‌نامه پیامبران یا امامان استفاده کرد؛ بلکه با استفاده از زبان تمثیل در داستان‌ها و حتی داستان‌هایی از نوع فابل می‌توان آموزه‌های معنوی و دینی را در اختیار کودکان قرار داد. مانند کتاب کلوچه‌های خدا.

- یکی از کارهای مفیدی که در کنار بهره‌گیری از تمثیل در داستان‌ها می‌توان برای بالا بردن سطح آموزندگی و نیز لذت بخشی کتاب‌ها انجام داد، مشارکت دادن کودکان در روند داستان است. طرح پرسش، ایجاد فضای سرگرمی یا رنگ‌آمیزی و نیز ایجاد فضای بحث و مناظره در حین داستان، به برقراری ارتباط بیشتر با داستان کمک می‌کند و کودک را به خودباوری و توانمندی بیشتر در ارتباط کلامی و اجتماعی می‌رساند. از دیگر سو این شیوه در بالا بردن قدرت تخیل کودکان نیز نقش بسزایی دارد.

## منابع و مآخذ

کتاب:

- انواری، سحر. لولوی قشنگ من. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۷
- اورال، یالواچ. قلب مترسک، ترجمه محمدرضا مهرافزا. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۶.
- بلیتون، انید. کبوتر سفید برفی، ترجمه پونه اسلامی. تهران: انتشارات ایران‌بان، ۱۳۸۴.
- بنی ویلی، آیرتو. جنگل کوچک، ترجمه سیدمهدی شجاعی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۰.
- جلیلی کمالیان، مهسا. تن‌پیچ. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۴.
- حجازی، بنفشه. ادبیات کودکان (ویژگی‌ها و جنبه‌ها). تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۰.
- حسن‌زاده، فرهاد. دیو دیگ به سر. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۸.
- حق‌پرست، نورا. باغچه بره کوچولو. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۶.
- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- رحمان‌دوست، مصطفی. قصه دوتا لاک‌پشت تنها. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۵.

- ژوبرت، کلر. کلوچه‌های خدا. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۷.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. اصول ادبیات کودکان. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۴۵.
- شمیسا، سیروس. انواع ادبی. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۳.
- قزل ایاغ، ثریا. ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن (مواد و خدمات کتابخانه‌ای برای کودکان و نوجوانان). تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- کتبی، سرور. این همه تلق و تلق. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۸.
- \_\_\_\_\_ بنگ بنگ. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۱.
- \_\_\_\_\_ پله‌بازی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۳.
- کشاورز، ناصر. فرشته‌ای از آسمون. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۰.
- گرام، هوف. درباره نقد، ترجمه نسرين پروینی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- مایر، مرسر. زمین پاک، ترجمه آرام وحیدی. تهران: شرکت انتشارات فنی ایران، ۱۳۸۹.
- موزونی، رضا. یخی که عاشق خورشید شد. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۹.

#### مقالات و پایان‌نامه:

- امیدعلی، حجت‌الله؛ اسکندری، علی. «راه‌های تعلیم خدانشناسی به کودکان». فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۱۳، شماره ۲۶، صص ۱۵۴-۱۳۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
- پاکدل، مسعود؛ میراب، معصومه. «نگاهی به تمثیل‌های نمادین در مرزبان‌نامه». فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره ۲۵، صص ۱۴۰-۱۲۷، پاییز ۱۳۹۴.
- بیله ور، مینو. «مقایسه ده اثر ادبی شاهکار جهانی کودک با ده اثر تألیفی داخلی (گروه سنی ب و ج) در بحث مؤلفه‌های تعلیم و تربیت و نحوه پرداخت آنها». پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: داوود اسپرهم، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۳.
- حاجی‌پور، حبیب. «بررسی و مقایسه کیفیت آموزه‌های تعلیمی در حکایت مناظره دیو گاوپای با مرد دینی از روضه العقول با حکایت دیو گاوپای و دانای دینی از مرزبان‌نامه». جستارنامه ادبیات تطبیقی، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۰۰-۷۵، پاییز ۱۳۹۸.



- حسام‌پور، سعید؛ آرامش‌فرد، شیدا. «نگاهی به ابعاد روایت‌مندی در داستان سه سوت جادویی احمد اکبرپور (بر اساس نظریه ماریا نیکولایوا)». مجله علمی- پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال ۳، شماره ۱ (پیاپی ۷)، صص ۴۶-۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- حسین پور، مهدیه. «بررسی آموزه‌های اخلاقی تربیتی در آثار کودک و نوجوان از زهره پریخ». پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مریم السادات اسعدی فیروزآبادی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۹.
- خدابین، مریم؛ میرحسینی، زهره. «از دریچه چشم خردسال». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۶۶، صص ۴۹-۳۸، تابستان ۱۳۹۴.
- زارع گاوگانی، وحیده. «مفاهیم تربیتی اسلام از دیدگاه قرآن در ادبیات کودکان و نوجوانان». نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ۳۴، شماره ۱، صص ۲۲۵-۲۰۱، ۱۳۸۳.
- سلطانی، فاطمه. «بررسی کارکرد تعلیمی فانتزی در داستان‌های کودکان و نوجوانان». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، صص ۸۸-۶۰، ۱۴۰۰.
- صادق‌زاده، محمود. «بررسی اشعار تعلیمی کودک و نوجوان در ادبیات معاصر». فصلنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۱۷، صص ۱۹۰-۱۵۷، ۱۳۹۲.
- علایی، مریم؛ یوزباشی، مریم؛ نورایی‌نیا، زهره. «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هم‌دلی در ادبیات معاصر کودکان». فصلنامه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره ۱۴، شماره ۵۱، صص ۴۷۷-۴۵۵، بهار ۱۴۰۱.
- علیمی، ماندانا؛ حفظ‌الصحه، ملیحه. «بازنمایی تمثیل و نماد در چند اثر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان». فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره ۲۳، صص ۴۰-۲۵، ۱۳۹۴.
- قربانی مجی، فریبا. «انواع ادبی (تعلیمی) در ادبیات کودکان بعد از انقلاب اسلامی». پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی اکبر افراسیاب پور، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۱۳۹۰.
- محمدی، مهدی. «بررسی داستان‌های دینی کودکان و نوجوانان منتشر شده بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۵». از نظر کیفیت، محتوا، ساخت و پرداخت و کیفیت زبان و بیان». مجله مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۰۹، ۱۳۹۱.

- معمدی، ناهید. «از موسیقی تا شعر». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۱۶، صص ۵۸-۵۴، ۱۳۹۴.
- مهرزاد، فروغ. «تصویرخوانی و سواد خواندن». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۶۷، صص ۴۵-۳۴، ۱۳۹۴.
- نوذری، افسانه. «مطالعه میزان توجه به مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت در ادبیات داستانی کودک و نوجوان در آثار نویسندگان معاصر ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: غلامعلی احمدی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰.
- نیک‌طلب، بابک. «شعر خردسال، آینه‌ای پیش روی کودک». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۱۴، صص ۳۱-۲۸، ۱۳۹۴.
- وایت‌هرست، گورو جی (راس). «خواندن گفتگومحور». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۱۶، صص ۴۹-۴۶، ۱۳۹۴.

## The function of allegory in conveying concepts based on wisdom and advice in children's stories of the eighties

Somayeh Rasooli<sup>1</sup>, Seyed Ahmad Hosseini Kazeruni Ph.D<sup>2\*</sup>,  
Seyed Mahmoud Seyed Sadeghi Ph.D<sup>3</sup>, Seyed Jafar Hamidi Ph.D<sup>4</sup>

### Abstract

Allegory has a special place in literature, especially in children's literature. The basis of allegory is the same story; But in the allegory, the characters of the story do not play a role in their place; Rather, each character represents a certain stratum in society or a certain individual. In allegorical stories, an instructive and instructive point is stated by using the language of an example, and in this way, the audience does not feel that they are being directly addressed and admonished from a higher or even equal position. and in addition, the concepts intended by the author are better understood by the audience. Although the appearance of the allegory seems simple and sometimes childish, in terms of meaning, it is very deep and thought-provoking. This method is very practical and effective, especially in the case of children's and adolescent literature. Children communicate better with allegorical stories, especially fables, and the concepts become understandable and enjoyable for them. In this research, using a descriptive-analytical method and using library tools, the function of allegory in a number of children's stories of the 80s has been explored to convey the concepts of wisdom and advice, and each work is considered to be allegorical or not from the point of view of how the story is processed. And the inclusion of legal, moral, spiritual or social instructions and points has been examined. The result of the research shows that the use of all kinds of allegory, especially the fable type, can lead to the creation of an educational work based on advice and wisdom, and the use of allegory creates an enjoyable and entertaining atmosphere in the story .

**Keywords:** allegory, children's and adolescent literature, eighties, advice, wisdom, ethics.

---

1. PhD student in Persian language and literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran  
Email: somayehrasouli@yahoo.com

2. Professor of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran  
(Author)

Email: Sakhazerooni@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

Email: sadeghi. mh mood33@yahoo.com

4. Professor of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran